

تحلیل دل‌بستگی به مکان مجموعه های مسکونی در ۳ سطح خانه های مستقل حیات دار، آپارتمان های معمولی و آپارتمان های بلندمرتبه

سجاد رضایی

s.rezari680@gmail.com

ایمان عبدیان تلزالی

iman.abdian@gmail.com

چکیده

دل‌بستگی به مکان مسکونی مبین احساس تعلق است که افراد نسبت به مکان دارند. این پیوندهای عاطفی، به ویژه با خاطرات، تجربیات و حوادث مهم زندگی اشخاص مرتبط است. دل‌بستگی به محیط از آن رو اهمیت دارد که عمل جمعی را تسهیل می کند، مشارکت سازمانی را افزایش می دهد، سرمایه گذاری را تشویق می کند و فرصت مناسبی جهت رشد و توسعه اجتماعی مکانها فراهم می سازد. این پژوهش، هدف اصلی نمودپذیری دل‌بستگی به مکان در ۳ تیپ مختلف مسکونی (مستقل حیاطدار، آپارتمان معمولی و آپارتمان بلندمرتبه) می باشد. دومین هدفی که این پژوهش در پی دست یافتن به آن است، وزن دهی شاخص های دل‌بستگی به مکان و میزان تاثیرگذاری مدت زمان اقامت در حصول دل‌بستگی به مکان مجتمع های مسکونی فوق است در این راستا، محقق با تهیه پرسشنامه ای محقق ساز نسبت به توزیع آن در مجتمع مسکونی واقع در شهر شیراز مبادرت ورزید. سپس داده های به دست آمده توسط نرم افزار تحلیلی ویژه علوم اجتماعی (SPSS WIN 22) و استفاده از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و آزمون T مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که دل‌بستگی به مکان مجتمع های مسکونی مستقل حیات دار در سطح بالاتری قرار دارد. همچنین نتایج نشان داد که بعد احساسی نسبت به سایر شاخص های مورد بررسی در این پژوهش در سطح بالاتری از سایر شاخص ها قرار دارد. بنابراین، هر دو فرضیه مطرح شده در این پژوهش مورد تایید قرار گرفت.

کلمات کلیدی: دل‌بستگی به مکان، سکونت، بعد احساسی، مجتمع مسکونی.

مقدمه

هدف از این پژوهش بررسی سنجش عوامل مهم و تاثیرگذار کالبدی-فضایی بر حس دل بستگی به مکان در بین ساکنین مجتمع های مسکونی می باشد. دهخدا (۱۳۷۷) دل بستگی را علاقه داشتن، عشق به چیزی داشتن و میل به کسی داشتن معنی می کند. حس دل بستگی کاربران به فضای زندگی باعث می گردد که شخص در ارتقای محل زندگی خود اهتمام ورزد. از نظر ابن خلدون "عصبیت"، تعلق خاطر یک فرد به مجموعه خویش است. چنانچه وی معتقد است عصبیت در ریاست نقش خود را ایفا می کند، زیرا ریاست با غلبه و پیروزی حاصل می شود. پس هر کسی عصبیتش قوی تر از عصبیت دیگری باشد، ریاست نصیب او می گردد (نصری، ۱۳۶۳). از نظر وی شخص دارای دل بستگی به مجموعه ی زندگی واجد جایگاه ریاست است، زیرا که وی شایسته ترین فرد در جهت ارتقای مکان زندگی و در نهایت ارتقای کیفیت کل زندگی افراد است. طراحی مسکن بصورت انبوه معمولاً تنزل در کیفیت را به همراه دارد. با توجه به تحولاتی که در طراحی مسکن رخ داده است، مشخص نیست که این تحولات توانسته باشد حس دل بستگی مکان به محیط مسکونی را محقق نماید. تحقیقات نشان داده اند که کیفیت و ویژگی های محیط کالبدی می تواند پاسخ گوی توقعات و نیازهای مردم نیز باشند. با توجه به تفاوت هایی که در طراحی مجتمع مسکونی وجود دارد به نظر می رسد که تمرکز بر طرح کالبدی مجتمع مسکونی سنجش دل بستگی به مکان و نقش طرح های مختلف کالبدی بر حس مردم نسبت به محل سکونت خود را تأمین نماید. بین طرح کالبدی مجتمع مسکونی و حس دل بستگی به مکان ساکنین رابطه مثبت وجود دارد. این رابطه به صورت عاملی ادارکی با ایجاد علاقه برآورده شدن نیازها و انتظارات بر ساکنین تأثیر می گذارد. باتوجه به تعریف مکان طرح کالبدی یکی از عوامل محیطی موثر در حس دل بستگی به مکان است. طرح کالبدی مجتمع های مسکونی با القاء تصاویر ذهنی و زیبایی و با تسهیل تعاملات اجتماعی، فعالیتها و ایجاد رضایتمندی در ساکنین بر شکل گیری نسبی دل بستگی به مکان مؤثر است. با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر در نظر دارد دل بستگی به مکان را در ۳ سطح مسکونی خانه های مستقل حیاط دار، آپارتمان های معمولی یا میان مرتبه و آپارتمان های بلند مرتبه یا مجتمع های مسکونی مورد بررسی قرار دهد. همچنین این پژوهش، میزان تاثیرگذاری مدت زمان اقامت افراد را در حصول دل بستگی به مکانی نیز مورد سنجش قرار می دهد. بنابراین، مقاله حاضر بر پایه ۳ فرضیه اصلی زیر ارائه می گردد:

۱- بنظر میرسد دل بستگی به مکان در خانه های مستقل حیاط دار، آپارتمانهای معمولی و آپارتمانهای بلندمرتبه با هم متفاوت است.

۲- بنظر می رسد عوامل احساسی بیشترین میانگین را در حصول دل بستگی به مکان محیط های مسکونی را دارا می باشد.

۳- بنظر میرسد افزایش طول مدت اقامت ساکنین تاثیر معناداری بر شکل گیری دل بستگی به مکان دارد.

مفهوم مکان

مکان ممکن است یکی از کلماتی باشد که اغلب خیلی در زبان انگلیسی به کار برده شده است. این کلمه به طور متنوعی به عنوان یک محل فیزیکی (چه مکانهایی را که شما بازدید کرده اید)، یک حالت روان شناسی (من هم اکنون در یک مکان یا محل خیلی خوب نیستم)، موقعیت اجتماعی (مردم باید موقعیت خود بشناسند)، موقعیت چیزی در فکر شخص (من نمی توانم کاملاً موقعیت آن را تعیین کنم)، یک استاندارد جهت ارزیابی (یک زمان و مکان برای هر چیزی وجود دارد) و غیره مورد استفاده قرار می گیرد. در نتیجه کالبد شکافی مکان یا محل سخت است، مخصوصاً چون مکان و محل دارای معانی مختلفی است که نه تنها شامل محققانی می شود که در مورد موضوعی تحقیق می کنند بلکه شامل هرکسی می شود که از واژه مکان استفاده می کند (Steele, 1981).

مرلوپونتی (Merleau- Ponty, 1962: 264) معتقد است که " فضا وجودی است و وجود، فضایی " به عبارت دیگر معنای ادراک شده از محیط، دارای جنبه های فضایی است که به گفته شولتز چهارچوبی را برای اعمال انسان مشخص می کند". چنین فضایی، فضای جغرافیایی به مفهوم فیزیکی نیست بلکه با ویژگی ها، رویدادها و روابط حاکم بر مکان پیوند دارد. بنابراین

خنثی و یکنواخت نیست. هیچ دو نقطه ای در فضا شبیه به یکدیگر نبوده و هریک با ویژگی محتوای آن تعریف می شود. مکان جایی است ورای یک نقطه جغرافیایی که قابل مشاهده بر روی نقشه باشد و یا یک دور نما و منظره که در عکس و نقاشی بگنجد. مکان به طور جدایی ناپذیری با مساحت زندگی انسان و وقایعی که در آن اتفاق افتاده و به آن شکل داده، پیوند دارد. جایی است که سخنان گفته شده آرا و نظرات رد و بدل شده، پیمان هابسته شده و تقاضاها خواسته شده است. اساس مفهوم مکان با مفهوم حضور انسانها در آن همراه است. اعتبار مکان ها به انسانهایی است که در آنها زیسته اند. زمانی که انسان فضایی را می شناسد، و یا احساس می کند، هرچند لمس ناشدنی و بی شکل باشد، حس و یا ایده مکان شکل گرفته است " انسانها به صورت فردی و گروهی با الصاق معانی به فضا آن را به مکان تبدیل می کند (Carmona, Tiesdell, 2007: 170). در همین خصوص (Relph, 1976) مکان را در پیوند با سرنوشت انسان و موجودیت او می داند. انسان بودن یعنی زندگی در دنیایی پر از مکانهایی متمایز و مشخص، یعنی داشتن مکان خود و شناختن. زندگی در درون مکان رخ می دهد. مکانی که یک گروه در آن زندگی می کنند، تخته سیاهی نیست که بتوان بر روی آن نشانه هایی نوشت و بعد پاک کرد.

مفهوم دل بستگی به مکان

دل بستگی به مکان: یک درک ذهنی از ارتباط شخصی به یک مکان براساس تجربیات شخصی اگرچه که توسعه ی محیط های بی همتا، تمیز دادنی و روشن و واضح، جهت توسعه ی یک حس مکان مهم است، این نهایتاً یک وابستگی شخصی به یک مکان و یک درک ذهنی از مکان است که باعث می شود که افراد به یک روش معنی دار، به آن ارتباط پیدا کنند. اگرچه که طراحان سعی بر آن دارند که پیشرفتهای جدیدی داشته باشند که آنها برای مردمی معنی و مفهوم دارند که مکان را تجربه می کنند، لازم است که درک کنیم که ارتباطات شخصی و دل بستگی نمی توانند لحظه ای اتفاق بیفتند، بلکه ترجیحاً وقت می گیرد. طراحان نیز باید درک کنند که مداخلات فیزیکی آنها، تنها یک عامل در رشد دل بستگی شخصی به یک مکان هستند و اکثر اینها، در خارج از قلمرو طراح و ماورای کنترل آنها است. دل بستگی شخصی تنها نمی تواند توسط خود محیط فیزیکی به وجود آید، اما در نتیجه ی تعامل شخص با مکان به وجود می آید (Steele, 1981). به این دلیل است که مردم چنان دل بستگی ای را نسبت به مکان مثل شهر کودکی شان، خانه یا اتاق خواب یا شاید یک نقطه ی تفریحی که خاطرات مثبت زیادی برای آنها دارد، حس می کنند. احتمالاً هیچ چیز خاصی در مورد طراحی این مکانها وجود ندارد، اما هیچ مکانی برای مردمی که از آنجا خاطره دارند، بی اهمیت نیست.

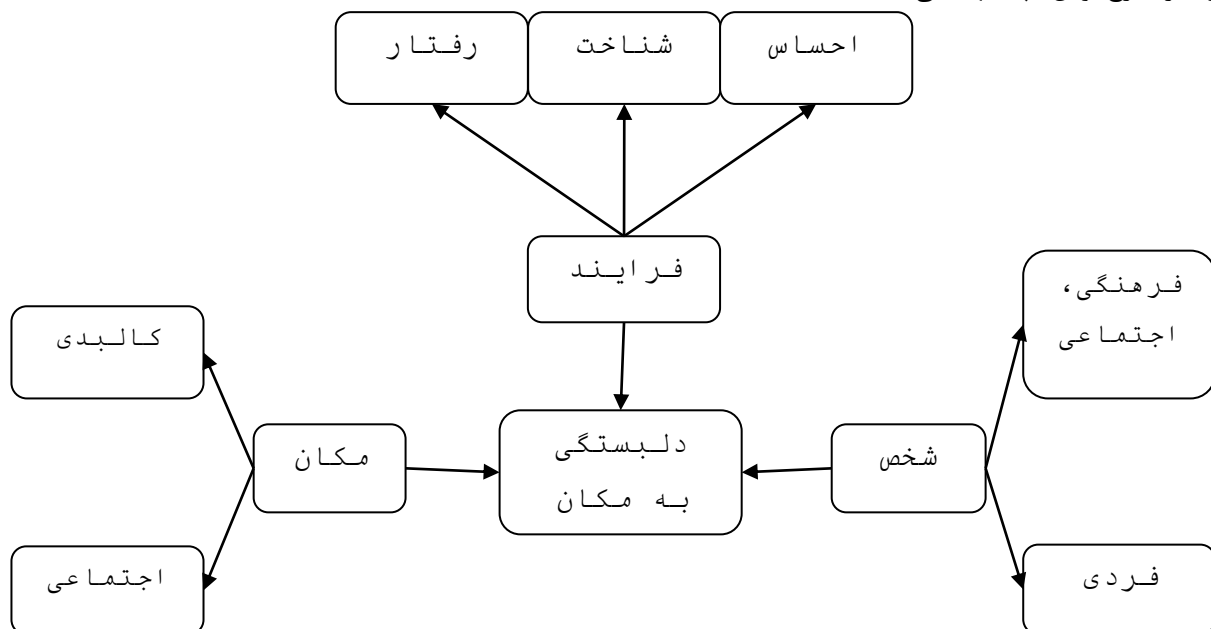
بحث در مورد نبوغ، خیلی از نگرش هایی که به شخصیت یا هویت یک مکان کمک می کردند، مورد بحث قرار گرفته اند. با این حال، این تنها هویت مکان نیست که اهمیت دارد، بلکه هویت یک شخص یا گروه با آن مکان نیز مهم است. «همانطور که مردم وجود دارند، هویت های زیادی نیز وجود دارند، چون هویت در تجربه، چشم، فکر و نیت شخص مشاهده کننده به همین نسبت در ظاهر فیزیکی شهر یا منظره قرار دارد» (Relph, 1976). اکثر مطالعات موجود بر روی اندازه گیری و توصیف دامنه ی حس انسان نسبت به محیطی مشخص است. این حسها تعاریف و نام های متعددی ذکر شده که گاهی تبیین تفاوت های آن مشکل می نماید. "کلمه دل بستگی ارجاع به اثر و کلمه مکان ارجاع به قرارگاه رفتاری دارد که مردم به طور احساسی و فرهنگی به آن وابسته هستند (Altman, Low, 1992: 5). دل بستگی به مکان تأکید بر روشی است که " افراد به صورت شخصی معنای مکان را برای خود می سازند" (Gifford, 2002: 273)؛ با ارتباط نمادین با مکان و دادن معانی عاطفی و حس مشترک فرهنگی، توسط افراد به مکان خاص یا سرزمین شکل می گیرد و "مبنای نحوه ادراک گروه یا فرد از مکان و نحوه ارتباط وی با آن می باشد". دل بستگی به مکان یک بعد از کلیت حس مکان و وابستگی عاطفی مثبت است که بین فرد و مکان توسعه می یابد (Stedman, 2003) «و مبین احساسات فرد نسبت به یک موقعیت جغرافیایی است که به طور حسی فرد را به آن مکان گره می زند. در واقع یک تجربه مثبت از مکان». و نتیجه اعتقادات و احساسات مثبتی است که فرد در فرایند تعامل با مکان و معنا بخشیدن به آن خلق می کند (Rubinstein & Parmelee, 1992: 139).

در این فرایند، افراد ارتباط خود با سایرین و مکان را توسعه می دهند. بین میزان دل‌بستگی فرد به مکان و توجه او به آن، ارتباطی مستقیم وجود دارد. یعنی هنگامی که فردی به مکانی وابسته می شود، به آن توجه بیشتری می‌نماید (Mesch&Manor,1998). این برخاسته از فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان - مکان و انسان - انسان در یک مکان خاص است. (Relph,1976 &Low & Altman, 1992). و با تاثیر متقابل احساسات، دانش‌ها، باورها و رفتارها با مکانی خاص سروکار دارد. (Proshansky et al, 1983).

دل‌بستگی به مکان در عین تاکید بر ارتباطات حسی با مکان بر پایه خود و فعل و انفعالی که در هنگام مواجهه با مکان اتفاق می افتد، مبتنی بر نظریه دل‌بستگی و تعلق به اجتماع زمینه است، تا تعلق صرف به مکان (Kyle et al, 2004) تا آنجا که این واژه معادل واژه‌هایی چون تعلق اجتماعی و حس مکان نیز به کار می رود. همچنین (Bonaiuto, 1999: 12) حس دل‌بستگی را "برقراری رابطه‌ای عاطفی با مکانی مشخص و تبدیل فرد به عنوان بخشی از مکان" تعریف کرده‌اند. دل‌بستگی به مکان همچون دل‌بستگی به شخص می تواند در نتیجه "ارتباط پیوسته با شی مورد دل‌بستگی" (مکان) باشد (Billig,2006:250). در اکثر تحلیل‌ها از رابطه‌ی انسان و فضا احساسات و عاطفه در مرکز توجه قرار گرفته است. هر چند این کیفیات احساسی با شناخت (تفکر، دانش و عقاید) و شیوه (عمل و رفتار) همراه است. دل‌بستگی به مکان مفهومی پیچیده و چند سطحی است که آلتمن (۱۹۹۲) آن را نیروی گرایش موثر میان مردم و مکان تعریف می کند. حس دل‌بستگی به مکان پیوندی شناختی و عاطفی بین انسان و محیط است. این پیوند نتیجه مکانیزم اجتماعی و احساسی پیچیده‌ای به دلیل تفاوت‌های فردی است. معیارهای مهم برای یک شخص برای دیگری بی اهمیت می نماید. برخی از افراد علی‌رغم مشکلات فراوان محیط به دلیل وجود تعاملات اجتماعی دل‌بسته مکان هستند. و برای دیگران قضاوت محیط تنها براساس ویژگی‌های کالبدی صورت می گیرد. فهم معیارهای موثر بر ایجاد رابطه مثبت انسان و محیط منجر به رضایت مندی بیشتر کاربران می گردد. آلتمن (۱۹۹۲) دل‌بستگی به مکان را چند سویه، احساسی و پیچیده تلقی می نماید و تأثیر سه مؤلفه‌ی احساسات، شناخت و فعالیت را در درجه و میزان پیوند افراد با مکان مهم می داند.

مؤلفه‌ی احساسات به عواطف درونی فرد و موقعیت‌های روانی او باز می گردد: مؤلفه‌ی شناخت وابسته به ادراک و شناخت مکان از سوی فرد است: و مؤلفه‌ی فعالیت و رفتار در مکان نمایان گر وجود گزینش‌های گوناگون پیش روی در راستای تحقق اهداف فرد است. تجربیات قبلی انسان‌ها، ساختار اجتماعی، عاطفی، شناختی و رفتاری افراد را می سازد. این ساختار مبنای تصمیم‌گیری خودآگاه و ناخودآگاه است. براساس این ساختار افراد برای ایجاد ثبات و نظم‌در زندگی خود تلاش می کنند (Marris,2003). در نتیجه ساختار اجتماعی، عاطفی، شناختی و رفتاری فرد اجزای سازنده (خود) فرد هستند. درک، سازماندهی، طبقه‌بندی و یادآوری کلیه تجارب جدید بر اساس تصویری است که فرد از خود دارد. نیازها و خواسته‌های فرد نیز بر اساس این (خود) تعریف می گردد. زمانی که شیء و یا موضوعی با انتظارات و نیازهای فرد منطبق باشد و رضایت از آن حاصل شود، به تدریج حس دل‌بستگی به شیء و یا موضوع پدید می آید. در نتیجه فرد احساس راحتی و امنیت می نماید و به حفظ، نگهداری و حمایت از شیء و یا موضوع ترغیب می شود (Hashas,2005). ممکن است شواهد حس دل‌بستگی در شرایط عادی ملموس نباشد، اما "در مواقعی که موضوع مورد دل‌بستگی مورد تهدید واقع می شود، اثرات آن نمایان می گردد. گیفورد (Gifford,2009)، اجزای حس دل‌بستگی را "محیط کالبدی" "کاربران" و "فرایند دل‌بستگی" می داند. هر کدام از این اجزا ممکن است دارای سطوح متفاوتی باشند. دل‌بستگی "کاربران" در دو مقیاس انفرادی و گروهی و در سطوح مختلف فرهنگی، روان شناختی و بیولوژی قابل مطالعه است. "محیط کالبدی" در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی و یا قلمرو زندگی همچون خانه، همسایگی، محله، شهر یا کشور می تواند در نظر گرفته شود. هر مقیاس روش پژوهشی متفاوتی را طلب می نماید، چرا که بازخوردهای فردی در بسترهای مختلف، متفاوت است. زمانی که جز "فرایند" حس دل‌بستگی مورد مطالعه قرار می گیرد، تفاوت بین پیوندهای عاطفی، شناختی و رفتاری تبیین باید گردد. نوع تعامل و رابطه فرد با مکان نیز در مطالعه

دل بستگی حائز اهمیت است، به همین دلیل (Relph, 1976) مطالعه ماهیت پیوند افراد با مکان را در سطوح "در درون بودن" و "در خارج بودن" پیشنهاد می نماید.



نمودار (1): الگوی سه بعدی حس دل بستگی به مکان (Scannell, Gifford, 2009:2)

روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی می باشد. ابزار سنجش برای دستیابی به اهداف پژوهش، پرسش نامه محقق ساز که بر اساس چهارچوب تئوریک ساخته شده است. جامعه آماری این پژوهش افراد حاضر در ۳ تپ خانه (مستقل حیاطدار، آپارتمان مسکونی معمولی و آپارتمان مسکونی بلندمرتبه) واقع در شهر یاسوج بوده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ بدست آمده است که تعداد ۳۸۰ پرسش نامه به روش خوشه ای تصادفی بین مراجعین مجتمع های مذکور توزیع گردیده است. برای تجزیه و تحلیل از نرم افزار SPSS WIN22 استفاده شده است و نتایج در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفته است. در آمار استنباطی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون T برای بررسی فرضیات تحقیق استفاده شده است. اعتبار ابزار سنجش تحقیق (پرسش نامه) از طریق اعتبار محتوایی، اعتبار صوری با مراجعه به اساتید و دریافت اتفاق نظر آنان در مورد شاخص ها بدست آمده است. همچنین در زمینه پایایی گویه های ابزار سنجش از طریق همبستگی گویه به گویه پایایی کل ابزار سنجش ارزیابی شد. آمار آلفا کرونباخ که دامنه آن از صفر تا یک است شاخص پایایی گویه های ابزار سنجش می باشد. میزان آلفا بین صفر تا یک متغیر است. هرچه به سمت صفر میل کند نشان دهنده مناسب نبودن سؤالات پرسش نامه و هر چه به سمت یک میل کند نشانه مناسب بودن سؤالات می باشد. نتایج بصورت شکل، جدول، نمودار و تحلیل گزارش شده است.

تجزیه و تحلیل داده ها

در این قسمت به بررسی داده ها با استفاده از دو نوع آمار یعنی آمار توصیفی و آمار استنباطی می پردازیم. آمار توصیفی (Descriptive Statistic) خصوصیات پاسخگویان را بیان می کند. برای توصیف داده ها از جداول یک بعدی، توزیع فراوانی، درصدگیری، میانگین و... استفاده شده است. و در آمار استنباطی از آزمون های مرتبط بر اساس متغیر سنجی استفاده شده است.

پایایی پرسشنامه

منظور از پایایی، طرح این سوال است که ابزار اندازه گیری، تا چه حد دارای دقت است. بنابراین زمانی یک ابزار اندازه گیری پایا است که در صورت تکرار اندازه گیری همان نتایج بدست آید. بدیهی است که هر چه میزان آلفا بالاتر باشد، پایایی مقیاس بیشتر خواهد بود.

جدول (۱): آزمون پایایی و روایی پرسشنامه

متغیر	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ	جمع کل
احساسی	۷	۰/۹۰	۰/۸۸
اجتماعی	۴	۰/۸۵	
تجربی	۳	۰/۸۱	
کالبدی	۴	۰/۷۸	

با توجه به آزمون روایی و همانطور که از مقدار آلفای تک تک گویه ها و مقدار آلفای کل بر می آید، سنجش ما از گویه های مناسب انتخاب شده اند و با توجه به مقدار آلفای (۰/۸۸) گویه های تحقیق از روایی بالایی برخوردارند. آلفای گویه های بعد احساسی با میزان آلفای (۰/۹۰) بعد اجتماعی (۰/۸۵) تجربی (۰/۸۱) و کالبدی (۰/۷۸) می باشد. و همه گویه ها بالاتر از ۰/۷۰ و قابل قبول می باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

پرسشنامه ها پس از جمع آوری و استخراج، وارد نرم افزار آماری SPSS گردید. پس با استفاده از جداول دو بعدی و نمودار به تحلیل داده ها اقدام گردید. تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد، درصد فراوانی تراکمی و میانگین و در سطح استنباطی با توجه به نوع متغیر های مورد بررسی از آزمونهای تحلیل واریانس یکطرفه آنووا و پیش بینی رگرسیونی استفاده شده است.

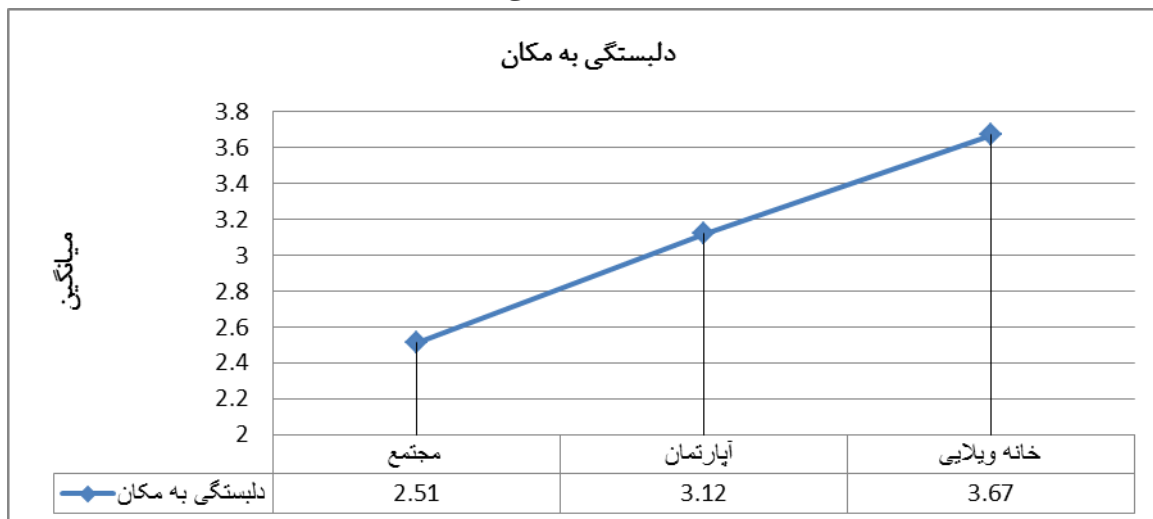
فرضیه اول: بنظر میرسد دلبستگی مکان در خانه های حیاط دار، آپارتمانهای معمولی و آپارتمانهای بلندمرتبه متفاوت است.

جدول (۲): آزمون تحلیل واریانس F.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	میانگین گروهها	اکتسابی	F	سطح معناداری	اتا	مربعات اتا	رد یا تایید فرضیه
نوع ملک مسکونی	دلبستگی به مکان	مجتمع	۲/۵۱	۴۳/۳۶	۰/۰۰۰۱	۰/۶۱	۰/۳۷	رد فرض H ₀ و تایید فرض H ₁
		آپارتمان	۳/۱۲					
		خانه ویلایی	۳/۶۷					

با توجه به آزمون فوق، چون مقدار سطح معنی داری (Sig) در جدول تحلیل واریانس F (ANOVA) در بررسی مقایسه میانگین های دلبستگی به مکان در نوع ملک مسکونی (مجتمع، آپارتمان و خانه ویلایی)، کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (یعنی: ۰/0001) بنابراین فرضیه فوق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که دلبستگی به مکان در بین مکان های مذکور متفاوت است خانه های ویلایی با میانگین (۳/۶۷) بالاترین میزان دلبستگی به مکان و سپس به ترتیب آپارتمان با میانگین (۳/۱۲) و در آخر مجتمع های مسکونی با میانگین (۲/۵۱) کمترین میزان دلبستگی به مکان را داشته اند. میزان ضریب اتا Eta در جدول اتا برابر با ۰/۶۱ است که شدت بالایی را از رابطه

بین دو متغیر گزارش می کند. و میزان مربعات اتا Eta squared نیز بیانگر این است که ۰/۳۷ سی و هفت درصد از واریانس متغیر وابسته توسط واریانس متغیر مستقل تبیین می شود.



نمودار (۲): دلبستگی به مکان در ۳ سطح مذکور.

فرضیه دوم: بنظر می رسد عوامل احساسی بیشترین میانگین را در حصول دلبستگی به مکان محیط های مسکونی را دارا می باشد.

جدول (۳): آزمون تحلیل واریانس F.

نوع ملک مسکونی	بعد احساسی	بعد اجتماعی	بعد تجربی	بعد کالبدی
مجتمع	2/62	2/62	2/37	2/34
آپارتمان	3/54	3/38	1/79	3/12
خانه ویلایی	3/78	3/86	3/42	3/48
نمره F	35/85	۳۰/۸۵	۵۲/۵۱	۵۲/۹۳
سطح معنی داری	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱

با توجه به آزمون فوق مقدار سطح معنی داری (sig) در جدول تحلیل واریانس F (ANOVA) در بررسی مقایسه میانگین های شاخص های مختلف دلبستگی به مکان (در ابعاد ؛ احساسی ، اجتماعی ، تجربی و کالبدی) در نوع ملک مسکونی (مجتمع ، آپارتمان و خانه ویلایی) ، در همپهزیر مقیاس ها کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (یعنی: ۰/0001) بنابر این فرضیه فوق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که کلیه شاخص های دلبستگی به مکان با نمره F (بعد احساسی=۳۵/۸۵ - بعد اجتماعی ۳۰/۸۵ - بعد تجربی ۵۲/۵۱ - بعد کالبدی ۵۲/۹۳) در بین مکانهای مذکور متفاوت است.



نمودار (۳): نمودار پذیرش شاخص های دل بستگی به مکان در ۳ سطح مذکور.

فرضیه سوم: مولفه ی میزان اقامت تا چه اندازه توانسته است دل بستگی به مکان را در شهر شیراز تبیین کند .
برای بررسی فرضیه فوق ابتدا به بررسی پیش فرض های رگرسیون چندگانه مورد مطالعه پرداخته می شود و در ادامه به بررسی معنادار بودن مدل رگرسیونی و نوشتن مدل مناسب و مورد تایید براساس ضرایب رگرسیونی معنی دار می پردازیم. برای بررسی معنادار بودن رگرسیون از آزمون (تحلیل واریانس) ANOVA با توجه به آماره فیشر پرداخته می شود که فرض معنی دار بودن رگرسیون چندگانه با پنج متغیر مستقل با متغیر وابسته با توجه مدل رگرسیونی بصورت زیر می باشد. قبل از بررسی معنی دار بودن رگرسیون به بررسی جدول رگرسیون چندگانه پرداخته می شود.

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0 : \text{مدل رگرسیون برازش شده معنی دار نمی باشد} \\ H_1 : \text{مدل رگرسیون برازش شده معنی دار می باشد} \end{array} \right.$$

مدل رگرسیونی پیش بینی شده:

جدول ۴-۸ نتایج رگرسیون چندگانه را نشان می دهد.

جدول (۴): نتایج رگرسیون چندگانه

خطای استاندارد برآورد شده	ضریب تعیین تعدیل یافته	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چند گانه
۰/۷۱	۰/۱۶۹	۰/۱۷۵	۰/۴۲

در جدول ۴ برای رگرسیون برازش شده، مقدار ضریب همبستگی چند گانه برابر با ۰/۴۲ می باشد که نشان دهنده ی همبستگی متوسطی بین مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می باشد در ادامه مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۱۶۹) که نشان

دهنده این می باشد که ۷ درصد از کل تغییرات واریانس متغیر دل بستگی به مکان بعنوان متغیر وابسته به متغیر مستقل میزان اقامت می باشد. جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس را نشان می دهد.

جدول (۵): تحلیل واریانس (ANOVA)

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۵/۶۶	۱	۱۵/۶۶		
باقیمانده ها	۷۳/۹۱	۱۴۷	۰/۵۰۳	۳۱/۱۵۲	۰/۰۰۰۱
کل	۸۹/۵۷	۱۴۸			

در جدول ۵ با توجه به مقدار آماره F یا فیشر و مقدار سطح معنی داری این آزمون به بررسی معنادار بودن رگرسیون چند گانه پرداخته می شود، با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری این آزمون کمتر از ۵ درصد می باشد در نتیجه فرض معنادار بودن مدل رگرسیون برآزش شده رد نمی شود یعنی مدل رگرسیون خطی چند گانه مناسب می باشد. نتایج ضرایب استاندارد و غیر استاندارد برای متغیرهای مستقل در مدل رگرسیون در جدول ۴-۱۰ نشان داده شده است.

جدول (۶): ضرایب استاندارد و غیر استاندارد برای متغیر میزان اقامت بر دل بستگی به مکان در مدل رگرسیون.

سطح معنی داری	مقدار t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		ضریب	خطای استاندارد	برآورد ضریب	
۰/۰۰۰	۱۴/۵۰	-	۰/۱۵۷	۲/۲۸۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۵/۵۸	۰/۴۱۸	۰/۰۶۶	۰/۳۷۱	میزان اقامت

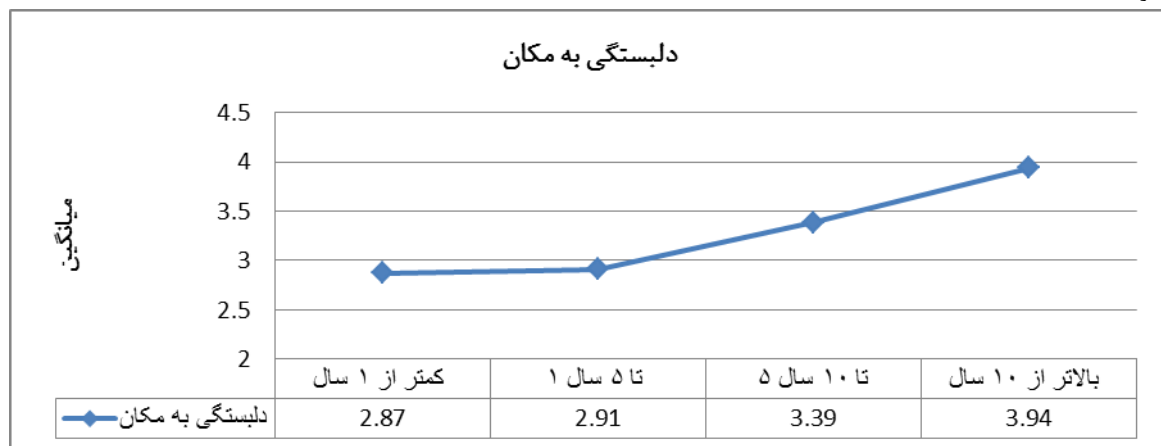
جدول فوق مقادیر ضرایب رگرسیونی متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر وابسته را نشان می دهد که با توجه به آماره t و سطح معنی داری این آزمون مشخص می باشد متغیرهایی که سطح معنی داری آنها کمتر از ۰/۰۵ می باشد در مدل رگرسیونی قرار می گیرند. مدل رگرسیونی نشان می دهد که در یک مدل رگرسیونی میزان اقامت بعنوان متغیر مستقل بر دل بستگی به مکان به می زان ۲/۲۸۱ می باشد و با توجه به آماره آمو تی (۱۴/۵) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰۱) معنی دار بوده و می توان این گونه ارزیابی نمود که به میزان ۰/۳۷۱ دل بستگی به مکان توسط میزان اقامت تبیین می گردد. و یا عبارتی ۰/۳۷۱ درصد از دل بستگی به مکان توسط میزان اقامت تبیین می گردد.

با توجه به جدول ۴-۱۰ می توان مدل رگرسیونی استاندارد را بصورت زیر نوشت:

جدول (۷): آزمون تحلیل واریانس F.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	میانگین اکتسابی گروهها		F	سطح معناداری	اتا	مربعات اتا	رد یا تایید فرضیه
		کمتراز یک سال	۲/۸۷					
میزان اقامت	دلبستگی به مکان	کمتراز یک سال	۲/۸۷	۱۲/۶۸	۰/۰۰۰۱	۰/۴۵۶	۰/۲۰۸	ردفرض H ₀ و تایید فرض H ₁
		۱ تا ۵ سال	۲/۹۱					
		۵ تا ۱۰ سال	۳/۳۹					
		بالاتراز ۱۰ سال	۳/۹۴					

با توجه به آزمون فوق، چون مقدار سطح معنی داری (sig) در جدول تحلیل واریانس F (ANOVA) در بررسی مقایسه میانگین های دلبستگی به مکان طول زمان اقامت ساکنان (در ۴ گروه زمانی)، کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (یعنی: ۰/۰۰۰۱) بنابراین فرضیه فوق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که دلبستگی به مکان در زمانهای اقامت متفاوت است کمتر از ۱ سال با میانگین (۲/۸۷) ۱ تا ۵ سال با میانگین (۲/۹۱) ۵ تا ۱۰ سال با میانگین (۳/۳۹) و بالاتر از ۱۰ سال با میانگین (۳/۹۴) به ترتیب از کمترین تا بیشترین میانگین های دلبستگی به مکان را داشته اند. . . میزان ضریب اتا Eta در جدول اتا برابر با ۰/۴۵۶ است که شدت بالایی را از رابطه بین دو متغیر گزارش می کند. و میزان مربعات اتا Eta squared نیز بیانگر این است که ۰/۲۰۸ دوپست و هشت هزارم درصد از واریانس متغیر وابسته توسط واریانس متغیر مستقل تبیین می شود.



نمودار (۴): میزان اثربخشی مدت زمان طول اقامت در حصول دلبستگی به مکان.

نتیجه گیری:

همانطور که اشاره شد، دلبستگی به مکان مبین پیوند احساسی بین افراد و محیطی است که در آن حضور دارند. این پیوند زمینه مساعدی را برای مشارکت سازمانی، سرمایه گذاری و عمل جمعی استفاده کنندگان از در اجتماع فراهم میسازد. مطابق با نتایج تحقیق، اگرچه میزان دلبستگی به مکان در هر سه تیپ خانه در سطح بالایی قرار دارد اما در خانه های مستقل حیاط دار در سطح بالاتری قرار دارد. اصلی ترین فرضیه ای که این پژوهش دنبال کرد، تعیین سطح دلبستگی به مکان در ۳ نوع خانه (مستقل حیاط دار، آپارتمان معمولی و بلندمرتبه) بود. برای دستیابی به این هدف، خانه ها و آپارتمان های مسکونی واقع در منطقه راهنمایی شهر یاسوج مورد بررسی قرار گرفت. همانگونه که از تجزیه و تحلیل داده های آماری آزمون تحلیل واریانس F مشخص است خانه های مستقل حیاط دار با میانگین (۳/۶۷) بالاتر از آپارتمان های معمولی با میانگین (۳/۱۲) و ساختمان های بلندمرتبه با میانگین (۲/۵۱) قرار دارد. فرضیه دومی که در این پژوهش به آن پرداخته شد، وزن دهی شاخص های دلبستگی به مکان در هر ۳ تیپ خانه مسکونی بود. نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که بعد احساسی دلبستگی

به مکان با میانگین (۳/۷۸) مهمترین شاخص و بعد تجربی دلبستگی به مکان با میانگین (۲/۳۷) کمترین تاثیر را در شکل گیری دلبستگی به مکان در محیط های فوق دارا می باشند. همچنین، در این پژوهش میزان تاثیرگذاری طول مدت اقامت بر دلبستگی به مکان مورد ارزیابی قرار گرفت. همانگونه که در تجزیه و تحلیل اماری فصل قبل نشان داده شد، با توجه به بررسی ۴ دوره متفاوت مدت اقامت بر روی دلبستگی به مکان، می توان بیان کرد که هر چه طول مدت اقامت در یک مکان بالا می رود، میزان دلبستگی افراد نیز بالاتر می رود. به بیانی دیگر، بین طول مدت اقامت و دلبستگی به مکان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

منابع:

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- نصری نادر، آلبرت، «برداشت و گزیده ای از مقدمه ابن خلدون»، ترجمه محمدعلی شیخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۶۳.
- Altman and S. M. Low** (Eds.), *Place Attachment*, New York, Plenum Press 1992.
- Billig, Miriam**. "Is my home my castle? Place attachment, risk perception, and religious faith." *Environment and behavior* 38.2 (2006).
- Bonaiuto, Marino, et al.** "Multidimensional perception of residential environment quality and neighbourhood attachment in the urban environment." *Journal of environmental psychology* 19.4 (1999).
- Carmona, Matthew, and Steven Tiesdell.** *Urban design reader*. Routledge, (2007).
- Gifford, Blair D., et al.** "The relationship between hospital unit culture and nurses' quality of work life/Practitioner application." *Journal of Healthcare management* 47.1 (2002): 13.
- Gifford, Robert, et al.** "Temporal pessimism and spatial optimism in environmental assessments: An 18-nation study." *Journal of Environmental Psychology* 29.1 (2009).
- Hashas, Mine Hatun.** "Residents' Attachment to New Urbanist Versus Conventional Suburban Developments." (2005).
- Kyle, Gerard, et al.** "Effects of place attachment on users' perceptions of social and environmental conditions in a natural setting." *Journal of Environmental Psychology* 24.2 (2004).
- Marris, Peter.** *The politics of uncertainty: Attachment in private and public life*. Routledge, (2003).
- Merleau-Ponty, Maurice.** "Phénoménologie de la perception (Paris: Gallimard, 1945), trans. C. Smith as Phenomenology of Perception." (1962).
- Mesch, Gustavo S., and Orit Manor.** "Social ties, environmental perception, and local attachment." *Environment and behavior* 30.4 (1998).
- Proshansky, Harold M., Abbe K. Fabian, and Robert Kaminoff.** "Place-identity: Physical world socialization of the self." *Journal of environmental psychology* 3.1 (1983).
- Relph, Edward.** *Place and placelessness*. Vol. 67. London: Pion, (1976).
- Rubinstein, Robert I., and Patricia A. Parmelee.** "Attachment to place and the representation of the life course by the elderly." *Place attachment*. Springer US, (1992).
- Steele, Fritz.** *The sense of place*. Cbi Pub Co, (1981).
- Stedman, Richard C.** "Sense of place and forest science: Toward a program of quantitative research." *Forest science* 49.6 (2003).